

**آقای اوجی احساس‌تان نسبت به طبیعت چگونه است، به عبارت دیگر هنگامی که واژه طبیعت را می‌شنوید، چه احساسی به شما دست می‌دهد؟**

احساسم دل‌گرفتگی برخاسته از ستمی است که بر «سبز جهان» رفته است و می‌رود و شعرش را هم گفته‌ام و در کتاب «کوتاه، مثل آه» آورده‌ام.

**از سبز جهان**

**از سبز جهان، نشان چه برسی**

**از آن همه باغ و عطر و تپه‌و؟**
**در دهکده جهان درختی‌ست**
**سرسبز ولی به خواب کوکو!**

از آن همه طبیعت سبز در دهکده جهانی درختی برجاست آن هم نه به بیداری که در خواب و این خواب را خضواد خواب کوکوی پرنده بگیری و یا خواب خودت که در آن می‌پرسی کو، کجاست آن درخت؟ که کوکو در این شعر دارای ایهام است، و وقتی می‌پرسی کو کجا است از چیزی می‌پرسی که در دسترس حواس نیست و بی‌جوبی آنی و چیزی که بی‌جوی آن باشی، یعنی حاضر نیست و در غیبت است و نیستی و نیست.

**آیا علاقه به طبیعت به دوره خاصی از زندگی و سرزمین خاصی که دوره‌ای از زندگی در آن سپری شسده است، مربوط می‌شود؟ مثلاً زندگی در روستا یا زندگی در شهرهای کوچک حاشیه کویر در سال‌های کودکی یا جوانی؟**

حافظه بی خاطرات لوح سیاهی است و حوادث و اتفاقات گذشته بر ما و از سر ما هستند که خاطرات ما را می‌سازند، و شگفتنا که اکثر حادثه‌های دیر و دور در ذهن ما می‌مانند و اکثر حادثه‌های نزدیک کم و گور می‌شوند و فراموش. و این حادثه‌های دیر و دور هستند که خاطرات ما را می‌سازند و شاکلهٔ و حافظه ما می‌شوند، حال که خاطرات در ذهن را با تجربه و برو تا بررسی به خاطرات جوانی و نوجوانی به‌خصوص خاطرات اخیر هستند که نقش‌پرداز زندگی ما می‌شوند و ما هر آن‌ها را هستیم و هر چی هستند نتیجه تأثیر این دوران سرنوشت‌ساز است، حال این کودکی ما کجا و چگونه گذشته باشد، بازتابش را در رفتارها و کارهای ما می‌توان دید و نتیجه همین دوران سرنوشت‌ساز است که سبب می‌شود تا من شیرازی از چمن صبح بگویم و از **گل سرخ** و آتشی دشتستانی که بیش از هر شاعری دیگر از نظر جغرافیایی با من نزدیک، از **گل سرخ** بگویند، چرا که من کودکیم را در گل و باغ گذراندم و او در گل و باغ، و این گل و باغ هنوز با من است و آن گل و باغ نیز هنوز با او با آتشمی…

**در شعر شما طبیعت دارای چه جایگاهی است؟ آیا گرایش به طبیعت را در شعر**

**ضروری می‌دانید یا خیر؟**

پرسش شما دو بخش دارد، در ابتدا به بخش دوم آن: گرایش به طبیعت را در شعر ضروری می‌دانید یا خیر؟ جواب می‌دهم و بعد به بخش اول پرسش شما برمی‌گردم. در پاسخ می‌گویم شاعران اصیل فرزندان زمان و مکان خود هستند و زندگی واقعی خود را به شعر می‌کشند و تا خود را و زندگی خود

را سکوی پرش و نقطه پرگار شعر خود نکندد به سبک نمی‌رسند. شاعر اصیل تجربه‌های شخصی خود و درون و بیرون خود را در شعر پیاده می‌کند و همین بیرون اوست که شامل محیط طبیعی و اجتماعی او می‌شود، حال تا تجربه‌های بیرونی شاعر چه جنمی داشته باشد و از کدام گروه باشد. بنابراین صد درصد نمی‌توانیم بگوییم که گرایش به طبیعت در شعر شاعر ضروری است یا خیر. تا شاعر در چه موقعیتی باشد و سفارش اجتماعی شعر، کدام نوع شعر را از او طلبید محتوای شعر او صرف می‌کند و اما در پاسخ بخش اول پرسش شما؛ در شعر شما طبیعت دارای چه جایگاهی است؟ باید بگویم که هنرمندان کلاً دو گروهند، هنرمندانی که می‌خواهند جهان را دگرگون کنند و هنرمندانی که می‌خواهند بیباد جهان را تاب بیاورند و تحمل کنند و من گره از دوستداران دگرگونی جهانی بوده و هستم ولی در اثر گذر زمان و گذر عمر، حس می‌کنم که کم کم دارم به جایی می‌رسم که باید جهان را تحمل کنم و هیچ تحمل جهان آن هم برای شاعری چون من که برپای گرز‌زگاہ و پناهگاه اعتیادی ندارد، چاره‌ای جز پناه بردن به طبیعت نیست که هر جان آگاه و جان به تنگ آمده در جهان چرک و پلشت صنعتی امروز چنین می‌کند تا با ذات طبیعی خود رجعتی کرده باشد و باید هم چنین کند تا بتواند روزمزه‌گی و روزمرگی را تاب بیاورد و من نیز چه در روز عمل و چه در شعر چنین کرده و چنین می‌کنم و خوشحالم که در جایی زندگی می‌کنم که هنوز نهمانده‌ای از طبیعت و باغ برجاست. در کودکی و نوجوانی خانم‌ام در کنار باغ سالاری شیراز بود و همین محل بعدها جایگاهی شد که سال‌های سال در آن تدریس کردم. و هنوز هم به رغم دگرگونی چهرهٔ شیراز، در جایی زندگی می‌کنم که به‌زامنده باغ‌های شیراز قرار دارند از باغ‌های قصردشت بگیر، تا بیاغ جهان‌نما و باغ دلگشا و باغ صفا و باغ ناری و کلیهٔ باغ‌های زندگی در جوار باغ ارم در گله زمینی از باغ ابوالفتح خانی قیاه دارد و عجیب نیست اگر طبیعت و باغ و گل و گیاه در شعرهای من تجلی داشته باشد و بازتاب، چرا که من زندگیم را به شعر می‌کنم و تجربه‌هایم را، اما به رغم زندگی من در طبیعت و تجلی آن در شعرهای من، چرا هنوز در من حسرت باغ است و در من نوستالوژیی باغ؟ بی‌هیچ اندیشهٔ قبلی و بی‌هوا می‌پرسم نکند این حسرت باغ در من و در شعرهای من برآمده از حسرت دوری ما از فردوس (پارادیز)، باغ عدن اولیه باشد که ما را از آن رانده‌اند و جان شاعرانهٔ من در هوای درون آن باغ می‌سوزد؟ و نوستالوژیی آن را به شعر می‌کنند؟ همان باغی که بارها و بارها در شعرهای من تکرار شده‌اند و می‌شوند؟

**هوای باغ نکردیم**
**کجاست بام بلندی؟**
**و نردبان بلندی؟**
**که بر شود، و بماند بلند بر سر دنیا**
**و بر شوی و بمانی و اُن و نعره بر آری:**
«**هوای باغ نکردیم و دُور باغ گذشت…**

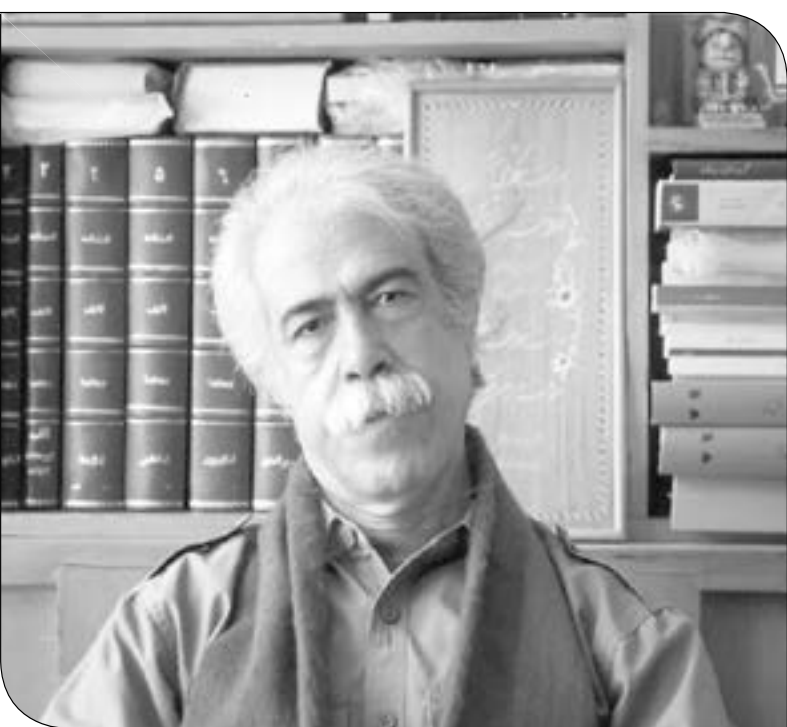
من برای جان آگاه شما دیگر چه بگویم و اصلا چه دارم که بگویم، فقط می‌گویم برای

#### روزنه

• پنجشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۴ ۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ Jan 14, 2016 سال بیست و یکم شماره ۵۶۶۸ •

## طبیعت، انسان و شعر

### گپ و گفت مه‌ری شاه حسینی با منصور اوجی



تباب آوردن بیساده جهان که طبیعت را در دود و دوده و آهن و سیمان به تباهی می‌کشد و می‌بلعد، اگر به همین طبیعت پناه نبرم و در شمرم از آن نگویم چه یکنم؟ راستی چه یکنم؟ آتشی در نقدی که بر کتاب «کوتاه، مثل آه!» نوشته، نوشت: «**شعرهای اوجی در کلماتی کوتاه به سراغ حساسیت‌های ما می‌آید تا غافلگیرمان کند، و این غافلگیری مثل کشودن ناگهانی دریچه‌ای است در شهری سیمانی بر باغی دلگشا.**» تا یاد چنین یاد!

**آیا جلوه‌های گوناگون طبیعت، برای مثال محیط سرسبز جنگلی یا محیط شبنزار کویری، می‌تواند در نوع تفکر و احساس شاعری که در چنان فضایی زندگی می‌کند تأثیرگذار باشد؟**

بدون شک که تأثیرگذار است. برای مثال برمی‌گردیم به تفاوت محیط طبیعی زندگانی اولیهٔ آتشی و خودم، آتشی فرزند دشت بود و دشتستان سوخته و سوختگی و من فرزند طبیعت گل و گیاه، شعر حماسی آتشی برخاسته از این خاستگاه و شعر او اگر نه هم‌ماش داغ گل سرخ است و شعر من اگر نه هم‌ماش باغ گل سرخ. و باز اضافه می‌کنم نیما و آتشی گرچه هر دو فرزند دریا هستند ولی نیما فرزند دریای شمال سبز است و آتشی فرزند دریای جنوب خشک و هر دو هم چه زیبا، طبیعت اطراف خود را در شعرهای خود انعکاس داده‌اند، ولی آن دریا کجا و این دریا کجا؟ فروغ وقتی از گل

سرنپهانی داری و حتی امنیتی ولی این قفس‌های تنگ، طبیعت را از ما می‌گیرند و به غیبت می‌کشاند و همین غیاب طبیعت است که سبب می‌شود تا ما در این قفس‌ها احساس دل‌گرفتگی و خفگی کنیم، در چنین شرایطی است که جان‌انسان‌ها در فراق طبیعت می‌سوزد. چارهٔ کار چیست؟ چه باید کرد؟ در چنین شرایطی باید به چیزی روی آورد و پناه برد تا کمی تسلی یافت تا دیوانه نشد و چه چیزی بهتر از هنر؟ و چه هنری بهتر از شعر، به خصوص شعری که در آن طبیعت راه یافته باشد و جانی که از اصل خود (=طبیعت) دورش کرده باشند. حتماً هنری را و شعری را که در آن رگه‌ها و اشاراتی از طبیعت و به طبیعت داشته باشد دوست خواهد داشت. من دیگر حرفی ندارم، بیاید با این روزمرگی‌ها که داریم کسر قصه دگرگونی جهان را نداریم برای تحمل فرزند آن بکوشیم و برای این کار به طبیعت پناه ببریم و طبیعت را به خانهٔ خود بکشانیم با یک باغچه اگر حیاط داریم و با یک گلدان گل، اگر آپارتمان داریم و بکاریم گل و گیاه، اگر فضا داریم، حتی به قدر یک کف دست و بخوانیم شعر شاعرانی را که به ستایش طبیعت نشسته‌اند و سبز را در شعر خود بازتاب داده‌اند.

**به جز این سؤال‌ها چه نکته‌های ناگفته‌ای**

**را می‌توانید در این زمینه مطرح کنید؟**
در پاسخ شما، تنها به ذکر یک نکته اکتفا می‌کنم. تنها یک نکته: به جای دست بردن در طبیعت و ویران کردن آن به ستایش آن برخیزیم و قدر آن را بدانیم. و اما آقای اوجی شما را شاعر شیراز و طبیعت شیراز دانسته‌اند. از شما شعرهایی را می‌خواهیم که به ستایش شیراز و طبیعت شیراز برخاسته باشند.

من بیش از دهها شعر در مورد شیراز دارم و حتی یک کتاب به نام «**از وطن**» که به چاپ رسیده است و این هم چند شعر برای نمونه.

**۱) – بیا**
**گلی رسته بی‌نام در برف صبح**
**بیا تا خدا را تماشا کنیم!**

**۲) – این، آن**
**برای آن سفرکرده عزیز**
**شهریار مدندی‌پور**

**مرا می‌برد تا به شیراز**
**به آن عصر**
**و آن عطر**
**و گل‌های نارنج**
**و آن کفش‌دوزک**

**در اینجا که اندوه غروب است و غربت**
**و این کفش‌دوزک**
**بر این شاخهٔ خشک.**
**۳) – از وطن**
**لاله‌ها**
**لادن‌ها**
**لاله عباسی‌ها**

**از وطن**
**آن چه در خاطر ما خواهد ماند**
**طرح باغی‌ست که نامش شیراز**

### ۷

**شهرزادی که روایتگر ما**
**آن بهشتی که پس باران‌ها**

**و آن چه در خاطر ما تا پس مرگ؛**
**سروهانی از سبز**
**خانه‌هایی از عطر**
**و بهار نارنج**
**یاس‌ها، زنبق‌ها**

**باغ فردوس، قدمگاه خدا!**
**۴) – کجای جهان‌های شیراز؟**
**برای دخترم آن غزل**
**کجای جهان بود آن باغ و آن عصر؟**
**که بی‌ترس چیدیم**
**–چه برعطر!»: گفتیم**
**چه برطعم خوردی**
**چه برطعم**

**کجای جهان می‌فروشدن بادام تر را؟**
**کجای جهان بود آن باغ و آن عصر؟**
**کجای جهان‌های شیراز؟**
**۵) – در این جا که شیراز**
**و برعکس آن جا، در این جا، هنوز آسمان است.**
**و گل‌های نارنج**
**و آن عطر**
**و آن سرو**
**و آن ناز**

**و لیمو**
**و انگور**

**و برعکس آن جا، در این جا هنوز آسمان**
**است و آبی**
**پس از بارش عصر.**
**و برعکس آن جا، در این جا که شیراز**
**۶) – می‌شود هنوز**
**–می‌شود هنوز زیر بدر آسمان نشست و خواند**
**می‌شود کنار دوست، رفته را کلید زد**
**خاطرات دور را، مرور کرد**
**می‌شود نوشت**
**می‌شود سرود**

**–با وجود این همه پلشت/ کارخانه/ برج/ آسمان‌خراش/**

**چرک/ دود؟**
**می‌شود هنوز؟**
**–آری می‌شود هنوز**
**گر ببارد آسمان یکی دو روز!**

**–با وجود این همه پلشت/ کارخانه/ برج/ آسمان‌خراش/**

**چرک/ دود؟**
**می‌شود هنوز؟**

**–آری می‌شود هنوز**
**گر ببارد آسمان یکی دو روز!**

**می‌شود هنوز!**
**۷) – گوش کن!**
**پشت این پنجره در تاریکی**
**مثل این است که از شاخه گلی می‌چینند**

**گوش کن، می‌شوی!**

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رأی شماره ۹۲۹۶۰۳۱۱۰۰۰۳۱۱۰۰۰ مورخ ۹۴/۹/۱۷**
**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ادارات تصرفات مالکانه و پلامعارض متقاضی محمد حسین گلنه زن فرزند دادرسی به شماره شناسنامه ۱۱۶ به شماره ملی ۲۴۹۱۰۲۵۱۸۹ صادره از داراب در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا گردیده به مساحت ۱۰۶ مترمربع پلاک ۶۲ فرعی از ۳۹۱۵ اصلی مغفروز و مجری شده از پلاک ۱۱ فرعی از ۲۹۱۵ اصلی قطعه ۶ واقع در بخش ۱۲ فارس داراب خریداری از مالک اولیه انتقالی از داود حسنی محرز گردید حقوق ارتقایی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدوین اساس در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.**

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۲۴

۵/م الف

کفیل اداره ثبت اسناد و املاک داراب

احمد انتظار

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی**
**تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رأی شماره ۹۲۹۶۰۳۱۱۰۰۰۳۱۱۰۰۰ مورخ ۹۴/۹/۱۷**
**هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ادارات تصرفات مالکانه و پلامعارض متقاضی محمد حسین گلنه زن فرزند دادرسی به شماره شناسنامه ۱۱۶ به شماره ملی ۲۴۹۱۰۲۵۱۸۹ صادره از خرامه در شش‌دانگ یکپلاک مغفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۰۲ فرعی از ۲۰۸۱ اصلی مغفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۸۱ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز حصه مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدین‌ی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.**

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۲۴

۲/م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز

حسین گرگی

**هیات موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رأی شماره ۹۲۹۶۰۳۱۱۰۰۰۳۱۱۰۰۰ مورخ ۹۴/۹/۲۲**
**هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی محمد پیمان پوری گلنه زن فرزند دادرسی به شماره شناسنامه ۵۹۷ صادره از شیراز در شش‌دانگ یکپلاک خانه به مساحت ۱۹۷/۰۴ مترمربع پلاک ۱۳۲۹۹ فرعی از ۲۱۴۴ اصلی مغفروز و مجزی شده از پلاک ۲۱۴۴ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی ورثه برفعلی رجبی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی نداشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدین‌ی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.**

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۹

۲/م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز

حسین گرگین

**شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۸۸۴۶۰۰۰۲۱**
**آگهی ابلاغ دادنامه**
**شماره پرونده: ۹۴۰۹۹۸۸۸۴۶۰۰۰۰۲**
**شماره: ۹۴۰۹۹۸۸۸۴۶۰۰۰۰۲**
**خواهان: عبدالمجید محمودی فرزند خلیل به نشانی شهرستان ارسنجان چاشختوار خواندگان: ۱- مجید کشاورز فرزند صفر به نشانی شهرستان ارسنجان چاشختوار مدرسه شهید صفر برومندی ۲- امیر میرزایی فرزند محمدصالح مجهول‌المکان خواسته ها: ۱- مطالبه خسارت وارده ۲- مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ۳- مطالبه وجه گردشکار: به تاریخ ۹۴/۹/۲۵ در وقت فوق‌العاده جلسه پرونده کلاس ۹۴۰۰۰۲ ح شورای حل اختلاف شعبه شوراب ارسنجان تحت نظر است قاضی شوراب با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر وجدان به شرح ذیل میادرت به صدور رای می‌نماید.**

در خصوص دادخواست تقدیمی عبدالمجید محمودی فرزند صفر به طرفیت مجید کشاورز فرزند خلیل و امیر میرزایی فرزند محمدصالح به خواسته مطالبه مبلغ دو میلیون تومان به انضمام خسارت های وارده با توجه به مستندات موجود در پرونده تقاضای خوانده ردیف دوم به صورت مکتوب و تعهد پرداخت وجه مورد مطالبه واریز مبلغ دو میلیون تومان عیاب خوانده ردیف دوم توسط خوانده ردیف اول (شماره حساب ۰۵-۳۳۲۵۸۲۴۴۶۰۵) مطابقت اسناد موجود اظهارات خواهان در جلسه رسیدگی مورخ ۹۴/۹/۲۵ عدم حضور خوانده با توجه به درج آگهی دعوت از طریق روزنامه های کثیرالانتشار و انتظار کافی دفاعیه تأخیر تأدیه از زمان تقدیم دادخواست (۹۴/۸/۵) الی بوم صورتجلسه مورخ ۹۴/۹/۲۵ مستند به ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی خوانده ردیف اول مجید کشاورز نسبت به ادعای خواهان قرار رد دعوا و نسبت به خوانده ردیف دوم امیر برومندی قرار رد دعوا و نسبت به خواهان ردیف اول نظریه مشورتی شوراب به شرح شوراهای حل اختلاف و مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی محکوم است به پرداخت مبلغ دو میلیون تومان تأدیه اصل خواسته مبلغ شانزده هزار تومان هزینه دادرسی و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از زمان تقدیم دادخواست (۹۴/۸/۵) الی بوم الوصول مطابق شـاخص اعلامی از سوی بانک مرکزی رای صادره نسبت به خوانده ردیف اول حضوری و پس از ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل تجدیدنظر در دادگاه عمومی ارسنجان و نسبت به خوانده ردیف دوم غیابی و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شـوراب و ظرف بیست روز پس از آن قابل تجدیدنظر در دادگاه عمومی ارسنجان می باشد.

۲/م الف

قاضی شورای حل اختلاف دهستان شوراب ارسنجان

علی اصغر علیزاده

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی**
**تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۹**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۲۴**

**رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز**
**حسین گرگین**

**شماره پرونده: ۹۴۰۹۹۸۸۸۴۶۰۰۰۰۲۱**
**آگهی ابلاغ دادنامه**
**شماره پرونده: ۹۴۰۹۹۸۸۸۴۶۰۰۰۰۲**

**خواهان: عبدالمجید محمودی فرزند صفر به نشانی شهرستان ارسنجان چاشختوار خواندگان: ۱- مجید کشاورز فرزند خلیل به نشانی شهرستان ارسنجان چاشختوار مدرسه شهید صفر برومندی ۲- امیر میرزایی فرزند محمدصالح مجهول‌المکان خواسته ها: ۱- مطالبه خسارت وارده ۲- مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ۳- مطالبه وجه گردشکار: به تاریخ ۹۴/۹/۲۵ در وقت فوق‌العاده جلسه پرونده کلاس ۹۴۰۰۰۲ ح شورای حل اختلاف شعبه شوراب ارسنجان تحت نظر است قاضی شوراب با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر وجدان به شرح ذیل میادرت به صدور رای می‌نماید.**

در خصوص دادخواست تقدیمی عبدالمجید محمودی فرزند صفر به طرفیت مجید کشاورز فرزند خلیل و امیر میرزایی فرزند محمدصالح به خواسته مطالبه مبلغ دو میلیون تومان به انضمام خسارت های وارده با توجه به مستندات موجود در پرونده تقاضای خوانده ردیف دوم به صورت مکتوب و تعهد پرداخت وجه مورد مطالبه واریز مبلغ دو میلیون تومان عیاب خوانده ردیف دوم توسط خوانده ردیف اول (شماره حساب ۰۵-۳۳۲۵۸۲۴۴۶۰۵) مطابقت اسناد موجود اظهارات خواهان در جلسه رسیدگی مورخ ۹۴/۹/۲۵ عدم حضور خوانده با توجه به درج آگهی دعوت از طریق روزنامه های کثیرالانتشار و انتظار کافی دفاعیه تأخیر تأدیه از زمان تقدیم دادخواست (۹۴/۸/۵) الی بوم صورتجلسه مورخ ۹۴/۹/۲۵ مستند به ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی خوانده ردیف اول مجید کشاورز نسبت به ادعای خواهان قرار رد دعوا و نسبت به خواهان ردیف اول نظریه مشورتی شوراب به شرح شوراهای حل اختلاف و مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی محکوم است به پرداخت مبلغ دو میلیون تومان تأدیه اصل خواسته مبلغ شانزده هزار تومان هزینه دادرسی و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از زمان تقدیم دادخواست (۹۴/۸/۵) الی بوم الوصول مطابق شـاخص اعلامی از سوی بانک مرکزی رای صادره نسبت به خوانده ردیف اول حضوری و پس از ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل تجدیدنظر در دادگاه عمومی ارسنجان و نسبت به خوانده ردیف دوم غیابی و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شـوراب و ظرف بیست روز پس از آن قابل تجدیدنظر در دادگاه عمومی ارسنجان می باشد.

۲/م الف

کفیل اداره ثبت اسناد و املاک داراب

احمد انتظار

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی**
**تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۹**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۲۴**

**آگهی مزایده اموال غیرمنقول (نوبت دوم)**
**به موجب پرونده کلاسه ۹۴۰۲۳۴ الف ج ح محکوم علیم حسین اسکندری فرزند حسن و زهرا جمالی فرزند اله داد محکوم به فروش ملک به پلاک ثبتی ۱۰/۲۴۳۹ به مساحت ۲۹۰/۷۰ واقع در قطعه یک بخش ۵ فارس و تقسیم عواید حاصل از آن بین مالکین به نسبت سهامشان پرداخت مبلغ دوپست و پنجاه هزار ریال از بابت هزینه نشر آگهی و یک میلیون و پانصد هزار ریال هزینه کارشناسی در حق محکوم له فاطمه باستان دوست فرزند شاه میرزا گردیده است ملک مورد نظر دارای عرصه ای به مساحت ۲۹۰/۷ مترمربع بوده که به دو قطعه تقسیم شده است که یکی از قطعات دارای عرصه ای به مساحت ۲۱۰/۷ مترمربع و اعیانی ۱۳۰ مترمربع به صورت اسکلت مسقف می باشد قطعه دوم دارای عرصه ای به مساحت ۸۹ مترمربع و اعیانی ۴۲/۵ مترمربع به صورت آجری و یک اطاق قدیمی گلی می باشد لذا محکوم له تقاضای مزایده قطعه دوم که دارای عرصه ای به مساحت ۸۹ مترمربع و اعیانی ۴۲/۵ را نموده است تقاضای طرف مذکور توسط کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ دوپست میلیون ریال ارزیابی گردیده است لذا در اجرای مقررات مواد ۱۱۴ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون اجرای احکام حقوقی اموال فوق در روز سه شنبه مورخ ۹۴/۱۱/۲۷ از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در محل دادگستری شهرستان ارسنجان پس از چاپ این آگهی برای نوبت اول در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی (عصر مردم) از طریق مزایده به فروش می‌رسد که متقاضیان می‌توانند ظرف مهلت پنج روز قبل از وقت مزایده ملک مورد نظر را در ارسنجان شهربستان آژاری کوچه حسینیه امام حسن نبش فرعی ۲ ملاحظه نمایند مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و اموال مذکور متعلق به شخصی است که بالاترین قیمت را پیشنهاد داده است نهایی پیشنهادی می‌باشست ده درصد اهلی را فی‌المجلس بعنوان سپرده به صندوق دادگستری تودیع نماید در صورت عدم پرداخت به موقع مابقی به پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط خواهد شد. ضمناً محکوم له نیز می‌تواند مانند سایرین در مزایده شرکت نماید.**

۲/م الف

مدیر دفتر اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان ارسنجان

حسین‌پور